

تحلیل پناهیان از فضای انتخاباتی و بازخوانی جایگاه رئیس جمهور - قسمت دوم

پناهیان: وقتی رئیس جمهور شخص دوم کشور است، پس باید تا حدی به ویژگی‌های رهبری نزدیک باشد / مهمترین توانایی رئیس جمهور باید قدرت تحول فرهنگی باشد / دولتی که از اصلاح فرهنگی عاجز باشد، در اصلاح اقتصادی هم توانمند نخواهد بود

حجت الاسلام و المسلمین علیرضا پناهیان در دومین جمعه سال جدید در سخنانی به فضای انتخاباتی و بررسی ویژگی‌های رئیس‌جمهور اصلاح پرداخته است. به جهت اهمیت مطالب مطرح شده در این سخنرانی، مشروح آن در دو قسمت منتشر می‌شود.

قسمت اول با عنوانی همچون «۳۰ سال پیشرفت ما و ۳۰ سال افول آمریکا - مدیریت کلان در جامعه ما قوی‌تر از امریکاست / امروز هم برخی خوارگونه به اصولگرایان می‌گویند از عمل به وظیفه توبه کنید / هرکسی بگوید به گذشته برگردیم دچار اشتباه بزرگی شده / باید آماده باشیم تا در چند جبهه مبارزه کنیم که هر یک با دیگری دشمنی دارد / نباید خیلی نگران چند شعبه شدن معتقدین به نظام در انتخابات باشیم» منتشر شد.

اکنون قسمت دوم این سخنان که با نیم نگاهی به شرایط رئیس‌جمهور در قانون اساسی و ریشه اصلاح مسائل اقتصادی به بازخوانی جایگاه رئیس‌جمهور می‌پردازد از نظر تان می‌گذرد:

رئیس‌جمهور باید کسی باشد که بعد از مقام معظم رهبری بتواند شخصیت جایگاه دوم را داشته باشد / پس باید تا حدی به ویژگی‌های رهبری نزدیک باشد

- ابتدا می‌خواهم متن‌هایی را از قانون اساسی برای شما بخوانم که شما در این متن‌ها اولاً تعریف رئیس‌جمهور را یکبار دیگر ببینید، ثانياً ببینیم چه برداشتی از قانون اساسی درباره رئیس‌جمهور می‌توانیم داشته باشیم. بعد برویم سراغ بقیه ملاک‌هایی که ما برای آینده نیاز داریم، محورش هم همان فرمایش مقام معظم رهبری که فرمودند نقاط قوت دولت قبلی را داشته باشد و نقاط ضعف را نداشته باشد.
- در اصل ۱۱۳ قانون اساسی درباره جایگاه رئیس‌جمهور آمده است: «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است.» بر این اساس رئیس‌جمهور باید کسی باشد که بعد از مقام معظم رهبری بتواند شخصیت جایگاه دوم را داشته باشد و بعد از مقام معظم رهبری بتوانیم به سعه صدر و توانایی‌های ایشان اعتماد کنیم و ایشان را به جهانیان معرفی کنیم، و بر اداره کشور بگماریم. حالا شما ببینید چه کسی در این جایگاه باید باشد. آیا ما می‌توانیم این جایگاه را به کسی در حد یکی از وزراء مثلاً وزیر راه یا وزیر کشور - یا هر کدام از وزراء - را، بدهیم؟

- برداشت بنده این است که وقتی رئیس‌جمهور شخص دوم کشور است، باید تا حدی به ویژگی‌های رهبری نزدیک باشد؛ مثلاً تا حدی فراجناحی باشد تا بتواند موجب ثبات کشور بشود. البته نه اینکه بین حق و باطل بایستد و یا بی‌خاصیت باشد. این یک برجستگی خاصی می‌خواهد. نباید فضای سیاسی به گونه‌ای خراب بشود که افراد برجسته و شایسته اصلاً به صحنه نیایند؛ بگویند اصلاً جای ما نیست. بنده کاری به این ندارم که تاکنون آیا اینچنین بوده است یا نه. مهم این است که ما در انتخاباتی که پیش رو داریم به ملاک‌های اصلی توجه کنیم.

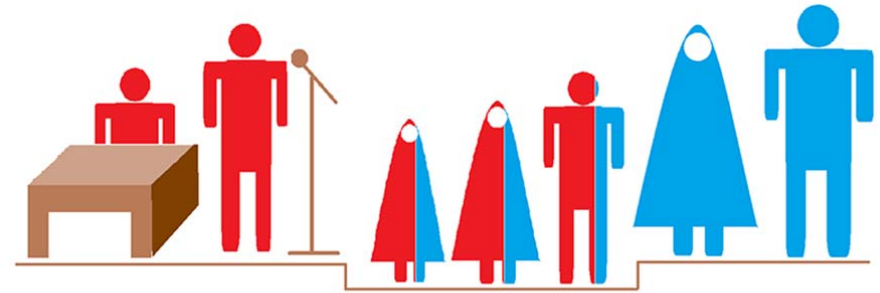
اصل ۱۱۳: نباید رئیس‌جمهور را فقط مسئول نان و آب مردم بدانیم

- ادامه اصل ۱۱۳: «و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد.»
- بندهای قانون اساسی خیلی متنوع هستند؛ فقط بندهای اقتصادی نیستند، همانطور که فقط بندهای فرهنگی نیستند؛ واقعاً بندهای متعددی وجود دارد که رئیس‌جمهور در حیطه وظایف خودش باید بتواند با داشتن یک شخصیت نسبتاً جامع‌الاطراف، تمام آن ابعاد را پوشش دهد.
- معلوم است یک شخصیت جامع‌الاطراف با همه تخصص‌ها به این سادگی‌ها پیدا نمی‌شود، ولی نباید رئیس‌جمهور را فقط و فقط مسئول نان و آب مردم بدانیم. اگر رئیس‌جمهور از فرهنگ سر درنیارود، و یک مرتبه جامعه را در عرصه فرهنگ دچار انحطاط کند، چه خواهیم کرد؟ به سختی می‌شود به چنین کسی فهماند که فعالیت‌های اقتصادی شما پیامدهای فرهنگی عدیده‌ای ایجاد خواهد کرد که خود مانع رونق اقتصادی خواهد شد. این مشکلی است که در همه سال‌های گذشته غالباً با آن درگیر بوده‌ایم. وقتی متوجه نشود، و بودجه‌ها و فعالیت‌ها را به آن سمت نبرد، جامعه یک بعدی پیش می‌رود، و یک قسمتش جا می‌ماند؛ آنگاه بعد از مدت کوتاهی همان پیشرفت یک بعدی هم دچار مشکل می‌شود.

اصل ۱۱۵: رئیس‌جمهور باید رجل مذهبی باشد / مذهبی بودن او مقدم بر سیاسی بودن او ذکر شده

- اصل ۱۱۵ دوباره به ویژگی‌های رئیس‌جمهور مربوط است: «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد.»
- خیلی‌ها ممکن است به صحنه انتخابات بیایند که اصلاً از رجال مذهبی نباشند. شما ببینید رجال مذهبی معنایش چیست؟ و مذهبی نبودن یک رئیس‌جمهور در یک نظام اسلامی چه مشکلاتی را ایجاد می‌کند. البته نه اینکه مذهبی باشد ولی سیاسی یا مدیر و مدبر نباشد. اما اولاً باید از رجال مذهبی باشد.

- بنده تصور می‌کنم لازمهٔ رجل مذهبی بودن این است که از معرفت دینی نسبتاً بالایی برخوردار باشد. رَجُل هم به کسی می‌گویند که به عنوان یک فرد برجسته شناخته شده باشد. اینکه چرا اینگونه است، فعلاً در مقام دفاع از قانون نیستیم، اما می‌شود توضیح مختصری داد.



امیرالمؤمنین(ع): «مردم به مدیران جامعه شبیه‌تر هستند تا به پدران و مادرهایشان: النَّاسُ بِأَعْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبَائِهِمْ» (تحف العقول / ۲۰۸)
«اثر تربیتی سیاسیون و سیاستمداران بر روی انسان بیشتر از اثر تربیتی پدران و مادران است»

مهمترین تربیون نظام مقدس ما در سطح جهان را به رئیس‌جمهور می‌سپارید / و مهم‌ترین امتیاز این کشور اسلام ناب است / او باید بتواند اسلام ناب را در همهٔ جهان معرفی کند

- چرا اولاً باید مذهبی باشد؟ برای اینکه تمام شریان‌های این مملکت به احکام دینی وابسته است. برای اینکه شما مهم‌ترین تربیون کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی را در سطح جهان به رئیس‌جمهور می‌سپارید. کشوری که مهم‌ترین امتیاز آن برخورداری از تفکر اسلام ناب است. او نه تنها باید بتواند در مسیر اسلام ناب حرکت کند بلکه باید بتواند اسلام ناب را به همهٔ جهانیان معرفی کند.
- این کافی نیست که بگوییم مقام معظم رهبری هستند و هدایت کلی جامعه را بر عهده دارند. بله، رهبری هدایت کلی جامعه را انجام می‌دهند، و از نظر دینی هم، رهبر دینی و سیاسی نظام، مقام معظم رهبری هستند. اما آیا رئیس‌جمهور هم باید بتواند رهنمودهای او درک کند که اجرا بکند یا نه؟ اگر درک نکند مدام می‌خواهد مخالفت کند، مدام می‌خواهد بگوید «آقا! من صحیح نمی‌دانم و یا مصلحت نمی‌دانم» آخر چه چیز را شما مصلحت نمی‌دانی؟ با کدام قواعد دین شما آشنا هستی که این را صحیح نمی‌دانی؟

- برنامه‌ریزی‌ها و عملکرد رئیس‌جمهور باید در راستای سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای رهبری در نظام باشد. اگر عمیقاً آنها را درک نکنند، دقیقاً هم پیروی نخواهد کرد، و گرفتار خواهیم شد. صرف ادعای تبعیت و پیروی کفایت نمی‌کند.

در همهٔ دنیا هیچکس انکار نمی‌کند که دین موجب انقلاب ما، مقاومت ما و پیشرفت ما تاکنون شده، بعد یک دفعه رئیس‌جمهور ما به خوبی از دین خبر نداشته باشد؟!

- در همهٔ دنیا هیچ‌کس این مسئله را انکار نمی‌کند که «دین» موجب انقلاب ما شد. در همهٔ دنیا هیچ‌کس انکار نمی‌کند که اسلام موجب مقاومت ما در دفاع مقدس شد و اسلامیت نظام موجب پیشرفت ما تا الان شده است. بعد یک دفعه رئیس‌جمهور ما به خوبی از اسلام ناب خبر نداشته باشد؟! مشکل ایجاد خواهد کرد. باید رَجُل مذهبی باشد. ما هرچقدر در گذشته به این ویژگی‌ها کمتر دقت کرده‌ایم در آینده باید جبران کنیم.

اصل ۱۱۵: مدیر بودن کافی نیست، مدبّر بودن هم لازم است / رئیس‌جمهور باید قدرت برنامه‌ریزی راهبردی داشته باشد

- «رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدبّر، دارای حُسن سابقه و امانت و تقوی، مومن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور.»
- بعد از اینکه از رجال مذهبی و سیاسی بود، می‌رسیم به ایرانی‌الاصل و تابع ایران که روشن است، بعد می‌رسیم به ویژگی مدیر و مدبّر بودن. مدیر بودن کافی نیست، مدبّر بودن هم لازم است. مدیر و مدبّر را در کنار همدیگر آوردند. بعضی‌ها هستند مدیران خوبی هستند، اگر کاری به او واگذار کنید، آن را تمیز از آب درمی‌آورد و اجرا می‌کند، ولی خودش این قدرت تشخیص را ندارد که در جلسهٔ تدبیر بنشیند، و راهبردنویس برجسته‌ای باشد، چهارتا مرحله بعد از این اقدام را هم پیش‌بینی کند، و دست دشمن را هم بخواند. نمی‌تواند نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصتها را به خوبی جمع‌بندی کند. رئیس‌جمهور باید اهل برنامه‌ریزی کلان باشد.
- مسلماً یک رئیس‌جمهور نمی‌تواند هم متخصص اقتصاد باشد، هم متخصص حقوق، هم متخصص فرهنگ، هم متخصص عمران و راه‌سازی، هم متخصص بهداشت و درمان، و هم متخصص صنعت باشد. در هیچ‌کجای دنیا هم این‌طوری نیست. ولی در مقام تدبیر

و راهبردنویسی و تدبیرهای کلان، باید از توان مندی ویژه‌ای برخوردار باشد. لذا نزدیک بودن تجارب و توانایی‌هایش به عرصه قانون و قانون‌نویسی یک امتیاز در این زمینه است. چون در قانون‌نویسی باید کلان نگری داشت و به راهبردها توجه کرد.

- نه اینکه بخش مدیریت را در نظر نگیریم، و صرفاً قدرت برنامه‌ریزی راهبردی را در نظر بگیریم، نه، هر دو را باید در نظر گرفت. ولی **بعضی وقت‌ها مشکلات ممکن است به ما فشار بیاورد، و بگوییم: یک مدیر «پروژه‌ای» قوی بیاید، بولدوزری کار بکند برود جلو. ممکن است در کوتاه مدت راضی کننده باشد، اما عوارض منفی آن در درازمدت قابل جبران نیست. بولدوزر هم که باشد، باید یک معمار و مهندس بالایی سرش بایستد بگوید بولدوزر کجا کار کند.**

وقتی می‌گوییم «مدیر»، باید توان مدیریت «فرهنگی» را هم در نظر بگیریم / یکی از مهمترین ابعاد فرهنگ، فرهنگ اقتصادی کشور است / دولتی که از اصلاح فرهنگی عاجز باشد، در اصلاح اقتصادی هم توانمند نخواهد بود

- ضمن اینکه وقتی مدیر می‌گوییم و به توان اجرایی توجه می‌کنیم باید توان مدیریت فرهنگی را هم در نظر بگیریم. مقام معظم رهبری در دولت نهم هم که شرایط بسیار بهتری داشت و واقعاً تحولی در کشور از نظر حزب‌اللهی شدن مدیریت میانی پیش آمد، و فضا از جهت حرکت به سوی آرمان‌ها بهتر شد، ولی باین حال مقام معظم رهبری به دولتمردان فرمودند که به فرهنگ کم‌توجهی شده است.
- به این دلیل باید به بعد فرهنگی توانایی‌های رئیس جمهور توجه کنیم که اصلاح و ارتقاء فرهنگی امری است که تاکنون بیش از بخش‌های دیگر مورد غفلت بوده و اساس پیشرفت در همه زمینه‌هاست.
- **واقعاً بخش فرهنگی مهمتر است یا بخش اقتصادی؟ این چند سالی که مقام معظم رهبری نام‌های اقتصادی بر سال‌ها گذاشتند، آیا نشان نمی‌دهد که بخش اقتصادی مهمتر هست؟ وقتی خوب دقت می‌کنیم می‌بینیم نام‌گذاری‌ها متوجه «فرهنگ اقتصادی» بوده است. وقتی می‌گوییم فرهنگ، یکی از مهمترین ابعاد فرهنگ، فرهنگ اقتصادی کشور است. فرهنگ کار و تلاش، فرهنگ تولید کار، فرهنگ خلق ثروت، فرهنگ**

مصرف، نامگذاری‌های آقا بیشترش نگاه به فرهنگ اقتصادی دارد. دولتی که عاجز باشد از اصلاح فرهنگی، توانمند در اصلاح اقتصادی هم نخواهد بود.

- هرچقدر جلوتر می‌رویم، اقتصاد به فرهنگ و روان‌شناسی نزدیکتر می‌شود و به این دو مقوله توجه بیشتری می‌شود. جدیدترین نظریات در مکاتب اقتصادی، مباحث مبنایی علم اقتصاد را جدا از روانشناسی نمی‌دانند. فعالیت اقتصادی در مقام تولید و مصرف بیشتر وابسته است به فرهنگ یک جامعه. بعضی از دانشمندان در جهان می‌گویند: قبل از اینکه شما در تکنولوژی سخت تحول ایجاد بکنید، باید در تکنولوژی نرم تحول ایجاد بکنید و تکنولوژی نرم به نوع فرهنگ و معنویات جامعه وابسته است. اگر شما بخواهید جامعه‌ای را از نظر تکنولوژی رشد بدهید مجبور هستید ابتدا از نظر فرهنگی رشد بدهید.

پایگاه اجرایی شدن همه برنامه‌های اقتصادی «فرهنگ جامعه» است / مشکلات اقتصادی بدون اصلاح فرهنگ اقتصاد برطرف نمی‌شود

- بله، رئیس جمهور باید بتواند فرهنگ معیشت مردم را ارتقاء بدهد؛ توزیع ثروت، امکانات و خدمات، و فعالیت‌های عمرانی به خوبی انجام گیرد، استقلال از نفت در اقتصاد پدید بیاید، اقتصاد مقاومتی داشته باشیم و ضربه‌پذیری مان از خارج کم شود، بورس‌بازی و بانک‌بازی‌های ربوی کاهش پیدا کند و اقتصاد ما یک اقتصاد واقعاً اسلامی شود، که بیشتر به نفع مردم خواهد بود. اما در کنار تمام این اتفاق‌ها، پایگاه اجرایی شدن همه این برنامه‌های اقتصادی «فرهنگ جامعه» است.
- **اگر سطح زندگی بالاتر برود و معیشت بهتر شود اما فرهنگ ارتقاء پیدا نکند، نارضایتی‌ها کاهش پیدا نخواهد کرد، از امکانات به خوبی استفاده نخواهد شد، وابستگی‌ها کاهش پیدا نمی‌کند، و ما همیشه آسیب‌پذیر خواهیم بود. شما بدانید، در کنار بهترین زندگی‌ها هم مشکلات اقتصادی بدون اصلاح فرهنگ اقتصادی برطرف نخواهد شد.**

نتیجه فعالیت اقتصادی بدون آگاهی کافی از فرهنگ و سازوکارهای آن



اصلاح فرهنگ بدون دین امکان دارد؟/ فلسفه نظام ما نشان دادن کارآمدی دین در زندگی / آیا مهمترین توانایی رئیس جمهور نباید قدرت تحول فرهنگی باشد؟

- آیا اصلاح فرهنگ بدون دین امکان دارد؟ این فلسفه نظام ماست که دین را برای زندگی مردم مفید قرار دهد و کارآمدی دین را در زندگی ببینند. این الگویی است که باید به جهانیان ارائه کنیم. پس آیا مهمترین توانایی که یک رئیس جمهور باید داشته باشد، این نخواهد بود که قدرت ایجاد تحول فرهنگی در جامعه را داشته باشد؟ و بتواند به کمک دین اصلاح فرهنگی انجام دهد؟
- البته هر عالم دینی هم این توانایی را ندارد. این طور نیست که هر کس عالم دینی شد و عمامه‌ای به سر گذاشت و حتی فقیه شد، قدرت این را داشته باشد که بتواند در کاربردی کردن و به کار گرفتن دین در تدبیر فرهنگی جامعه موفق شود. کار پیچیده‌ای است.
- لاقال کسانی باید باشند که مطمئن باشیم می‌توانند از این اهرم‌ها و از چنین کارشناس‌هایی استفاده کنند. بنده دیگر نمی‌خواهم انتقاد کنم به برخی از نکات فرهنگی که متأسفانه خیلی انتظار داشتیم در این هشت سال اخیر لاقال اتفاق بیفتد و اتفاق چندان نیفتاد؛ واقعاً جای تأسف دارد.

اصل ۱۱۵: دارای حسن سابقه و امانت و تقوا / به سمت کسانی که حسن سابقه و امانت و تقوایشان اثبات نشده نباید برویم

- در فراز بعدی قانون آمده است: «دارای حسن سابقه و امانت و تقوا» باشد. طبیعی است به دنبال کسانی که حسن سابقه و امانت و تقوایشان اثبات نشده، نباید برویم. دیگر رئیس‌جمهوری که محل امتحان نیست. ممکن است انسان شخصی را برای نمایندگی مجلس یا برای استانداری امتحان کند، اما دیگر رئیس‌جمهوری را محل امتحان قرار نمی‌دهند. تازه امتحان پس‌داده‌هایش هم ممکن است لغزش‌ها و ضعف‌هایی داشته باشند.
- **دارای تقوا بودن ریاست جمهوری از بُعد دیگری هم اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.** امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «مردم بیشتر شبیه و تحت تأثیر مدیران جامعه هستند تا پدران و مادران خود؛ النَّاسُ بِأَمْرَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (تحف العقول / ۲۰۸) یعنی اثر تربیتی پدر و مادر انسان بر روی او کمتر از سیاسیون و سیاستمداران جامعه است. این اصل را در نظر بگیرید، آنگاه به اهمیت متقی بودن رئیس‌جمهور پی خواهید برد.

وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور تعیین کنیم، گویی می‌خواهیم معلم اخلاق تعیین کنیم / مطمئن باشید بدون تقوا با هر فضیلت دیگر امور اصلاح نخواهند شد

- با این حساب و بر اساس فرمایش حضرت امیر(ع)، وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور تعیین کنیم، گویی می‌خواهیم معلم اخلاق تعیین کنیم. نه اینکه معلم اخلاق باشد اما عرضه دیگری نداشته باشد. توان مملکت‌داری را که باید داشته باشد، این با عرض بنده منافاتی ندارد. ولی ببینید چقدر تقوا و اخلاق در سیاسیون لازم است. آن وقت کلامی که آقا اخیراً بعد از اختلاف یکشنبه مجلس فرمودند، یادتان هست؟ «تقوا، تقوا، تقوا»
- **شما مطمئن باشید شخصیت و منش رئیس‌جمهور، بر شخصیت و منش سیاسی دیگر مسئولان سیاسی جامعه نیز تأثیر می‌گذارد. این خیلی مهم است. وقتی مدیران جامعه تقوا داشته باشند، واقعاً چقدر کارها بهتر پیش خواهد رفت؟ وقتی تقوا در جامعه گسترش پیدا کند، چقدر مشکلات بیشتر حل خواهد شد؟ و مطمئن باشید بدون تقوا با هر فضیلت دیگر امور اصلاح نخواهند شد.**

- این حرف یقیناً معنایش این نیست که مدیران جامعه بیایند تظاهر به تقوا بکنند، و البته ممکن است تشخیص اینکه چه کسی بیشتر اهل تقوا است، مشکل باشد. به این سادگی هم نباید کسی را متهم به بی‌تقوایی کنیم، ولی بالاخره تقوا خیلی اهمیت دارد و شناختن بی‌تقوایی برخی از سیاسیون هم زیاد سخت نیست.

اصل ۱۲۱: اولین بخش سوگند رئیس‌جمهور پاسدار اسلام بودن است / آیا لازمه پاسداری از تشیع بر خورداری از معرفت نیست؟

- اصل ۱۲۱ قانون اساسی در مورد سوگند رییس‌جمهور: «رییس‌جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رییس قوه قضاییه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود به ترتیب زیر سوگند یاد می‌کند و سوگندنامه را امضاء می‌نماید. بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم "من به عنوان رییس‌جمهور در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران به خداوند قادر متعال سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم..."»

- اولین چیزی که رئیس‌جمهور برای آن سوگند یاد می‌کند پاسداری از اسلام و به تعبیر دقیق‌تر «مذهب رسمی» و سپس «نظام جمهوری اسلامی» و «قانون اساسی کشور» است. به این ترتیب دقت کنید، ظاهراً این بندها بر اساس اولویت نوشته شده است.
- می‌بینید که قسم رئیس‌جمهور باز به نوعی بر اسلام‌شناس بودن رئیس‌جمهور تاکید دارد. **آیا لازمه پاسداری از تشیع بر خورداری از معرفت نیست؟ چرا بعضی‌ها می‌خواهند عنصر اسلام‌شناسی را از سیاسیون جامعه حذف کنند؟ می‌دانید با حذف عنصر اسلام‌شناسی چه وضع نابسامانی به وجود خواهد آمد؟** هرچند منظور بنده از اسلام‌شناسی یک ویژگی مطلق نیست و باید میزان آن دقیقاً توسط مراجع قانونی تفسیر شود، ولی توجه به این مضامین می‌تواند نگاه ما را به جایگاه رئیس‌جمهور بهبود ببخشد.
- اگر برای ترتیب عبارات قسم ارزش و حکمتی قائل باشیم، آنگاه معنای این ترتیب این خواهد بود که اگر کسی نتواند از مذهب رسمی خوب دفاع کند و از آن به خوبی پاسداری نکند، از نظام و قانون اساسی هم نمی‌تواند به خوبی دفاع کند.

اصل ۱۲۱: «خود را وقف ... و ترویج دین و اخلاق کنم» / کسی که بخواهد دین و اخلاق را ترویج کند، آیا نباید از قدرت معرفتی دینی بالا برخوردار باشد؟

- ادامهٔ قسم: «و همهٔ استعداد و صلاحیت خویش را در راه ایفای مسئولیت‌هایی که به عهده گرفتم به کار گیرم و خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور...»
- هر کسی خودش را وقف نکند، و کنار کاری که دارد انجام می‌دهد، سیاسی‌کاری هم نکند، قسم را نقض کرده. و همه می‌دانید سیاسی‌کاری برای حفظ منافع گروهی و فردی و باندی و جریانی، خلاف سوگند رئیس‌جمهور است. خودش را وقف کند، یعنی استفاده‌اش در جای دیگر حرام است.
- عبارت بعدی را دقت کنید: «و خود را وقف ... ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازم.» **دین و اخلاق مقدم شده بر حق و عدالت، چرا؟ برای اینکه نباید بدون رعایت دین و اخلاق از عدالت طرفداری کنید. خیلی آسان است: اخلاق را رعایت نکن، آبروی مردم را رعایت نکن، از عدالت دفاع کن، اینکه کاری ندارد، مثل آب خوردن است. عدالت آنجایی سخت می‌شود که شما بخواهی هم اخلاق را رعایت کنی، هم از عدالت**

طرفداری بکنی. هم دین و شرع را رعایت و هم از عدالت دفاع بکنی و آلا دفاع از عدالت که کاری ندارد.

- اینجا دوباره برای چندمین بار شاهد ویژگی‌ای هستیم که نیاز به معرفت دینی عمیقی دارد: «ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت.» خب شما ببینید کسی که بخواهد دین و اخلاق را ترویج کند، آیا نباید از قدرت معرفتی دینی بالایی برخوردار باشد؟

در هر کدام از این دوره‌های گذشته، ضعف‌هایی که دیدیم ناشی از این بوده که فضائل اصلی و کلیدی‌تر را رها کردند

- و سپس در عبارات بعدی سوگندنامه آمده است: «و از هرگونه خودکامگی بپرهیزم و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته شده است حمایت کنم.»
- **ببینید! در هر کدام از این دوره‌های گذشته، ضعف‌هایی که دیدیم ناشی از این بوده که فضائل اصلی‌تر را رها کردند و فقط به فضائل پایین‌تر توجه کردند. فضائل پایین‌تر و در مرتبهٔ دوم و سوم که در همین متن اخیر بود-مثل آزادی و حقوق ملت- را گرفتند، و فضائل اصلی و کلیدی‌تر را رها کردند. یکی می‌آید می‌گویید: «من حقوق مردم را می‌خواهم بدهم» دیگری می‌خواهد عدالت را محقق کند که در حقانیت هردو کلام تردیدی نیست ولی باید به او گفت: شما اول اولییت‌ها و اولویتهای لازم بر اساس شرایط را محقق کن سپس حقوق مردم را هم بده، و عدالت را اجرا کن. بعضی‌ها بی‌دینی را رواج می‌دهند بعد به حقوق مردم می‌چسبند. یا بی‌اخلاقی می‌کنند بعد به عدالت می‌چسبند.**
- ان شاءالله که خداوند متعال ما را در بهترین انتخاب یاری کند و بتوانیم پاسخ این سؤال‌ها را که به چه کسی باید رای دهیم خودمان درک کنیم و تشخیص درستی داشته باشیم.

اینفوگرافیک "جایگاه رئیس‌جمهور" در صفحه بعد



آیا مهمترین توانایی رئیس جمهور نباید قدرت تحول فرهنگی باشد؟

اجرای قانون اساسی بدون آشنایی کافی با فرهنگ ممکن نیست

نباید رئیس جمهور را فقط مسئول نان و آب مردم بدانیم. بندهای قانون اساسی فقط اقتصادی نیست. اگر رئیس جمهور از فرهنگ سر درنیاید، ممکن است ناگهان جامعه را در عرصه فرهنگ دچار انحطاط کند. چنین کسی به سختی متوجه می‌شود که فعالیت‌های اقتصادی او پیامدهای فرهنگی عدیده‌ای ایجاد خواهد کرد که خود مانع رونق اقتصادی خواهد شد. این مشکلی است که در همه سال‌های گذشته غالباً با آن درگیر بوده‌ایم.

تحول در تکنولوژی سخت، نیازمند تحول در تکنولوژی نرم است

جدیدترین نظریات در مکاتب اقتصادی، مباحث مبنایی علم اقتصاد را جدا از روانشناسی نمی‌دانند. فعالیت اقتصادی در مقام تولید و مصرف بیشتر وابسته است به فرهنگ جامعه. بعضی از دانشمندان جهان پیش‌نیاز تحول در تکنولوژی سخت، را تحول در تکنولوژی نرم می‌دانند. و تکنولوژی نرم به نوع فرهنگ و معنویات جامعه وابسته است. اگر شما بخواهید جامعه‌ای را از نظر تکنولوژی رشد بدهید مجبور هستید ابتدا از نظر فرهنگی رشد بدهید.

در کنار بهترین زندگی‌ها هم مشکلات اقتصادی بدون اصلاح فرهنگ اقتصادی بر طرف نمی‌شود

اگر سطح زندگی بالاتر برود و معیشت بهتر شود اما فرهنگ ارتقاء پیدا نکند،
۱- نارضایتی‌ها کاهش پیدا نخواهد کرد،
۲- از امکانات به خوبی استفاده نخواهد شد،
۳- وابستگی‌ها کاهش پیدا نمی‌کند، و ما همیشه آسیب‌پذیر خواهیم بود.
بنابراین در کنار بهترین زندگی‌ها هم مشکلات اقتصادی بدون اصلاح فرهنگ اقتصادی برطرف نخواهد شد.

مردم بیشتر تحت تأثیر مدیران جامعه هستند تا پدران و مادران / رئیس جمهور به مثابه معلم اخلاق

امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «مردم بیشتر شبیه و تحت تأثیر مدیران جامعه هستند تا پدران و مادران خود؛ النَّاسُ بِأَمْرَائِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ» (تحف العقول/ ۲۰۸). یعنی اثر تربیتی پدر و مادر انسان بر روی او کمتر از سیاسیون و سیاستمداران جامعه است. با توجه به این اصل، اهمیت متقی بودن رئیس جمهور معلوم خواهد شد. بر اساس این روایت، وقتی می‌خواهیم رئیس‌جمهور تعیین کنیم، گویی می‌خواهیم معلم اخلاق تعیین کنیم. البته نه اینکه معلم اخلاق باشد اما عرصه دیگری نداشته باشد. منافاتی با یکدیگر ندارند.

بدون تقوا با هر فضیلت دیگر امور اصلاح نخواهند شد

مطمناً شخصیت و منش رئیس‌جمهور، بر شخصیت و منش سیاسی دیگر مسئولان سیاسی جامعه تأثیر می‌گذارد. این مسئله اهمیت زیادی دارد. وقتی مدیران جامعه تقوا داشته باشند، واقعاً چقدر کارها بهتر پیش خواهد رفت؟ وقتی تقوا در جامعه گسترش پیدا کند، چقدر مشکلات بیشتر حل خواهد شد؟ یقیناً بدون تقوا با هر فضیلت دیگر امور اصلاح نخواهند شد. در اصل ۱۱۵ نیز در شرایط رئیس‌جمهور آمده است: «دارای حسن سابقه و امانت و تقوا». یعنی به سمت کسانی که حسن سابقه و امانت و تقوایشان اثبات نشده نباید رفت.

شخصیت دوم کشوری باید تاحدی به ویژگی‌های رهبری نزدیک باشد

اصل ۱۱۳: «پس از مقام رهبری، رئیس‌جمهور عالی‌ترین مقام رسمی کشور است.» رئیس‌جمهور باید کسی باشد که بعد از مقام معظم رهبری بتواند شخصیت جایگاه دوم را داشته باشد. پس باید تا حدی به ویژگی‌های رهبری نزدیک باشد.

رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی باشد

اصل ۱۱۴: رئیس‌جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی .. انتخاب گردد. یعنی اولاً باید از رجال مذهبی باشد. لازمه‌اش این است که از معرفت دینی نسبتاً بالایی برخوردار باشد. اما چرا اولاً باید مذهبی باشد؟ زیرا مهمترین تربیون کشور و نظام مقدس جمهوری اسلامی در سطح جهان به رئیس‌جمهور سپرده می‌شود. کشوری که مهمترین امتیاز آن برخوردار از تفکر اسلام ناب است. او نه تنها باید بتواند در مسیر اسلام ناب حرکت کند بلکه باید بتواند اسلام ناب را به همه جهانیان معرفی کند. در همه دنیا هیچکس انکار نمی‌کند که «دین» موجب انقلاب ما، مقاومت ما و پیشرفت ما تاکنون شده، بعد یک دفعه رئیس‌جمهور ما از دین کم خبر داشته باشد؟!

اغلب مشکلات اقتصادی نیازمند اصلاح «فرهنگ» اقتصادی است

وقتی می‌گوییم فرهنگ، یکی از مهمترین ابعاد فرهنگ، فرهنگ اقتصادی کشور است. فرهنگ کار و تلاش، فرهنگ تولید کار، فرهنگ خلق ثروت، فرهنگ مصرف، بیشتر نامگذاری‌های اقتصادی مقام معظم رهبری نگاه به فرهنگ اقتصادی دارد. دولتی که عاجز باشد از اصلاح فرهنگی، توانمند در اصلاح اقتصادی هم نخواهد بود. زیرا اغلب مشکلات اقتصادی نیازمند اصلاح فرهنگ اقتصادی است.

پایگاه اجرایی شدن همه برنامه‌های اقتصادی «فرهنگ جامعه» است

رئیس‌جمهور باید بتواند فرهنگ معیشت مردم را ارتقاء دهد؛ توزیع ثروت، امکانات و خدمات، و فعالیت‌های عمرانی به خوبی انجام گیرد، استقلال از نفت در اقتصاد پدید بیاید، و... اما پایگاه اجرایی شدن همه این برنامه‌های اقتصادی «فرهنگ جامعه» است.

فلسفه نظام ما نشان دادن کارآمدی دین در زندگی / مهمترین توانایی رئیس جمهور باید قدرت تحول فرهنگی باشد / اصلاح فرهنگ بدون دین ممکن نیست

این فلسفه نظام ماست که دین را برای زندگی مردم مفید قرار بدهد و مردم کارآمدی دین در زندگی را ببینند. این الگویی است که باید به جهانیان ارائه کنیم. پس آیا مهمترین توانایی که یک رئیس‌جمهور باید داشته باشد، این نخواهد بود که قدرت ایجاد تحول فرهنگی در جامعه را داشته باشد؟ و بتواند به کمک دین اصلاح فرهنگی انجام دهد؟

اولین بخش سوگند رئیس‌جمهور «پاسدار اسلام» بودن است / لازمه‌اش برخورداری از معرفت دینی است

اولین موردی که براساس اصل ۱۲۱ رئیس‌جمهور برای آن سوگند یاد می‌کند، پاسداری از اسلام است: «...سوگند یاد می‌کنم که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشم» قسم رئیس‌جمهور نیز به نوعی بر اسلام‌شناس بودن رئیس‌جمهور تأکید دارد. آیا لازمه پاسداری از تشیع برخورداری از معرفت نیست؟ چرا بعضی‌ها می‌خواهند عنصر اسلام‌شناسی را از سیاسیون جامعه حذف کنند؟ می‌دانید با حذف عنصر اسلام‌شناسی چه وضع نابسامانی به وجود خواهد آمد؟ اگر کسی نتواند از مذهب رسمی خوب دفاع کند و از آن به خوبی پاسداری بکند، از نظام و قانون اساسی هم نمی‌تواند به خوبی دفاع کند. توجه به این مضامین می‌تواند نگاه ما را به جایگاه رئیس‌جمهور بهبود ببخشد.

اصل ۱۲۱: «خود را وقف ... ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت کنم»

آیا کسی که بخواهد دین و اخلاق را ترویج کند، نباید از قدرت معرفتی دینی بالایی برخوردار باشد؟